



اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان

انسجام ستراتژیک در افغانستان

نیکولاس ستاکتون
اگست ۲۰۰۲

وجوه جهت پیشبرد این مطالعات از جانب دفتر کمک های
بشری کمیسیون اروپایی فراهم گردیده است •



انسجام ستراتیژیک در افغانستان

در مورد اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان

اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل پژوهشی بوده که مصروف پیشبرد تحقیق و تحلیل با کیفیت و عملی جهت مطلع ساختن پالیسی سازان، بهبود امور عملی و افزایش موثریت پروگرام های بشری و انکشافی در افغانستان میباشد. این نهاد توسط جمیع موسسات کمک رسانی که در افغانستان کار مینمایند تاسیس گردیده و دارای یک بورد اداری بوده که در آن نمایندگان ادارات سازمان ملل متحد و سازمان های غیر حکومتی عضویت دارند.

یکی از ارزش های بنیادی این اداره اعتقاد به این باور است که کار آن باید نقشی در بهبود زندگی افغانها داشته باشد. اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان یگانه مرکز تحقیقاتی بشری و انکشافی مستقر در افغانستان است. چنین فرصت نادر به این اداره مجال میدهد که تحقیقات با ارزش را انجام داده و این زمینه را میسر سازد که از نتایج حاصله آن در پروسه تحولات عملی استفاده صورت گیرد.

وجوه مالی برای این اداره از جانب کمیسیون اروپایی و حکومت هالند و سویس مهیا گردیده است. وجوه مالی برای مطالعات هذا از جانب دفتر کمک بشری کمیسیون اروپایی اعطاء گردیده است.

خلاصه اجراییه

گسترش و پیچیدگی فزاینده توافقات حاصله در بن مبنی بر انسجام کمک ها برای افغانستان، ایجاد نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان، استقرار قوای امنیتی بین المللی در کابل و تاسیس اداره هماهنگی کمک ها توسط اداره انتقالی افغانستان این ضرورت را بمیان آورد تا مطالعاتی در زمینه انسجام ستراتیژیک کمک ها برای افغانستان صورت گیرد. علاوه بر آن استقرار نیروی ایتیفی مشترک ملکی - نظامی ایتالیا و ورود عاملین جدید مانند بانک جهانی بر از دحام سازمان های غیر حکومتی، کمک دهندگان و موسسات سکتور خصوصی افزود. هدف مطالعات طوریکه در بخش اول اشاره شده است، این است که مسایل مربوط به انسجام ستراتیژیک کمک های بین المللی برای افغانستان را در مرحله ابتدایی تجدد و توسعه مشخص سازد. این مطالعات بر مبنای مشاوره با بیشتر از هفتاد نفر در افغانستان، پاکستان و ایالات متحده امریکا طی ماه های اپریل و می سال ۲۰۰۲ صورت گرفته است.

پرابلم های ناشی از اسلوب گرایی و مفهوم گرایی که در جریان مطالعات بروز نمود در بخش دوم این رساله توضیح گردیده اند. از آنجاییکه این مطالعات مدعی ارزیابی تاثیرات کمک های بین المللی و یا پروسه انسجام نمیشد، لذا در آن سعی بعمل نیامده است تا صحت و سقم نظریات متناقض در مورد موثریت کمک ها معلوم گردد. واضح است که نظریات در مورد چگونگی ستراتیژی کمک های بین المللی متفاوت بود. در مورد اینکه این ستراتیژی چگونه باشد و توانمندی رسیدن به کدام اهداف را داشته باشد استدلال های متناقض



ارایه گردیده اند. به عین ترتیب نظریات کاملاً مختلف در مورد انسجام استراتژیک ابراز گردیده اند. گرچه بسیاری به این نظر بودند که خیلی زود است که بر احراآت نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و اداره انتقالی این کشور و جاننشینان آن قضاوت عادلانه صورت گیرد. این مطالعات در زمان تغییرات سریع وابسته به فسخ ساختار قبلی انسجام کمک ها و آغاز پروسه پیشرفت که پس از کنفرانس بین المللی در مورد باز سازی و کمک به افغانستان یا ملاقات وزراً در توکیو، بمیان آمده است. انجام گرفت. اینکه نهاد های بزرگ کمک دهنده صرف با بروز علایم سطحی مانند سوسمار تغییر رنگ داده و خود را با شرایط جدید وفق میدهند و یا اینکه علایم تغییر مانند رنگ طاوس عمیق و ماندگار است تا هنوز معلوم نیست. درین ارتباط اختلافات متداوم میان موسسات کمک رسانی و یا افراد موجب نگرانی میباشد زیرا این مسأله بر پرسونل آنها که تحت فشار کار اضافی قرار دارند فشار بیشتری وارد مینماید. علاوه بر آن در زمانیکه این مطالعات انجام مییافت هنوز میکانیزم جهت انجام قضاوت معقول و عینی در مورد تأثیرات طولی المدت استراتژی کمک های بین المللی وجود نداشت. این امر حاکی از آنست که هر گاه این سیستم به همین منوال به فعالیت ادامه دهد گمان نمیرود که درس های استراتژیک به آن تفهیم شده بتوانند.

در بخش سوم خاطر نشان گردیده است که حکومت خارجی، کمک دهندگان و سازمان های غیر حکومتی همه در افغانستان استراتژی های جداگانه را تعقیب نموده که الزاماً اهداف آنها با هم مرتبط و یا حتی متمم نمیباشند. لهذا انسجام استراتژیک کمک های بین المللی کوششی است تا تسلسل و توأمیت بیشتر درصد ها استراتژی مختلف که هر یک آن توسط یک نهاد عمدتاً مستقل تعقیب میگردد بوجود آید. البته این امر با مفهوم کلاسیک انسجام استراتژیک مغایرت دارد که در آن یک استراتژی واحد توسط براه انداختن یک سلسله عملیات در یک چوکات واحد اداری پیشبرده میشود. بناً این مطالعات با این نظریه موافق نیست که چنان انسجام استراتژیک که در برگیرنده تمام تنوع استراتژیک کمک های بین المللی باشد در واقع یک هدف قابل حصول است. نظر کوناھی بر نشریات انسجام استراتژیک مدلل میسازد که تعریف معمولی انسجام استراتژیک کمکهایی بشری امکانات استراتژی های آشتی ناپذیر را نفی نموده و بصورت غلط پیشنهاد مینماید که عنصر دسپلین در عملیه انسجام وارد شده میتواند. این تعریف همچنان این امر را نمیبیند که سرمایه گذاری در انسجام باید توقع حاصله های کوچکتري را داشته باشند و بناً بر آن در مورد اینکه تا کدام حد امکانات و منابع در امر انسجام مصرف گردد باید یک قضاوت عادلانه صورت گیرد. زیرا از یکطرف هرگز ممکن نیست که هماهنگی در کمک های بین المللی تضمین گردد و از جانب دیگر نیرو و امکاناتی که در جهت وارد آوردن انسجام ممکنه، بیهوده به هدر میروند، میتوانند در راه آسایش بشری مودر استفاده قرار گیرند. بر علاوه اگر فرض گردد که انسجام استراتژیک منحصراً یک هدف از طریق پروسه انسجام استراتژی های کمک های بین المللی قابل حصول است، درینصورت جمیع موسسات کمک رسانی بین المللی در معرض این خطر قرار میگیرند تا جوابده مسایلی باشند که عملاً بر آن کنترل ندارند.

برای مطالعات هذا این امر عملی نبود تا هر استراتژی ملی و تشکیلاتی را تحلیل نماید به عین ترتیبی که انسجام آنها ناممکن است. بناً بر این دلایل و با در نظر داشت اولویت بلندی که شورای امنیت سازمان ملل متحد به افغانستان داده است، پالیسی های آن در بخش چهارم تحلیل گردیده اند زیرا این پالیسی ها معتبر ترین وثیقه برای حصول اهداف استراتژیک جامعه بین المللی میباشد. بخش چهارم با خلاصه عناصر اساسی قطعنامه



های مربوطه شورای امنیت شروع گردیده است. متعاقباً این عناصر با استراتژی های کمک های بین المللی مقایسه گردیده اند. استراتژی های کمک های بین المللی توسط پروگرام کمک عاجل انتقالی، رکن دوم نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و خطوط اساسی انکشاف ملی اداره انتقالی افغانستان توضیح گردیده اند. در حالیکه اهداف استراتژیک این نهاد ها تا حد زیادی با همدیگر مطابقت دارند، شرایطی که از جانب شورای امنیت به بذل کمک های بین المللی وضع گردیده اند در استراتژی های مربوطه پروگرام کمک عاجل انتقالی، نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و اداره هماهنگی کمک ها برای افغانستان منعکس نگردیده اند. این هم قابل تذکر است که میان این عمل کنندگان اختلافات حادی در رابطه با وضع کمک های بشری، حقوق بشر و پالیسی در رابطه به جنس وجود دارد. این بخش با توضیح فرضیه های کلیدی که بر مبنای آن استراتژی بین المللی بنا یافته است پایان مینماید. از لحاظ چگونگی پالیسی پروگرام ها، مطابق به شرایط وضع شده شورای امنیت در مورد حقوق بشر و امنیت، یک مدل کمک که موجب ترغیب صلح در کشور گردد، مشخصه استراتژی کمک های بین المللی میباشد. در ارتباط با سازمان ملل متحد قابل تذکر است که با تأسیس نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان منحصبت بخش عمده استراتژی تغییر و تحول، یک روش ساختاری جدید جهت بهبود موثریت آن اختیار گردیده است.

در بخش پنجم، آن مسایل مربوط به انسجام استراتژیک که در جریان مصاحبه ها با آن تماس گرفته شده بود خلاصه گردیده اند. در حالیکه نمیتوان متیقن بود که آیا این امر بیانگر نارضایتی نهایت زیاد بخش اعظم مصاحبه شدگان است و یا اینکه محیط پیچیده و طاقت فرسای را منعکس میسازد که در آن کمک ها توزیع میگرددند. با آنهم این امر واضح است که به عقیده اشخاصیکه درین کارزار سهیم اند، جد و جهد کمک رسانی با مشاجرات داخلی، رقابت های موسسات، هماهنگی ضعیف و بی نظمی استراتژیک مشخص میگردد. در مجموع در حدود ۱۹ مسأله انسجام استراتژیک که در جریان مصاحبه ها با آن تماس گرفته شده است، ارائه گردیده اند. مطالعات فعلی نمیتواند که صحت و یا جدی بودن این مسایل را ثابت نماید. این مسایل آجدای مهمی جهت تحلیل بیشتر میباشد، زیرا توسط عمل کنندگانی که نسبتاً خوب مطلع بوده و به قلب استراتژیک مساعی کمک رسانی نزدیک اند، مطرح گردیده اند. ازین لحاظ این لست در حقیقت یک آینه میباشد که نگرانی های عمیق، متفاوت و در بسیاری موارد مضطرب کننده طراحین یا مجریان کمک به افغانستان را منعکس میسازد. این مطالعات توصیه مینماید که اجراءات در مورد کمک های بین المللی با ملاحظه این مسایل استراتژیک ارزیابی گردند. درین رابطه یک کاپی ارزیابی فعالیت های جمیع موسسات امدادی بحران سال ۱۹۹۴ رواندا منحصبت نمونه با تغییر شکل بحیث یک مدل مفید قابل استفاده خواهد بود.

در بخش ششم تأیید میگردد که عدم استقرار نیروهای امنیتی بین المللی فراتر از کابل میتواند بالاخره مهمترین شرط لازمه پروسه کمک های بین المللی را مختل سازد، گرچه این امر ناکامی آزاده سیاسی خواهد بود نسبت به اینکه یک مسله مربوط به انسجام استراتژیک باشد. قسمت باقیمانده این بخش بر هفت مسأله استراتژیک با تفصیل بحث نموده و برای حل آنها توصیه مینماید. بصورت خلاصه اینها عبارت اند از:



۱. ایجاد اتحاد های ستراتیژیک

مطالعات به این نتیجه می‌رسد که چون ملل متحد نمیتواند که بر مراجع کمک دهنده، سازمان های غیر حکومتی و نهاد های مالی بین المللی صلاحیتی را اعمال نماید، این بدان مفهوم است که ریفرم هایی که در نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان وارد آمده اند و نظر به آن صلاحیت های قابل ملاحظه به نمایندگی خاص سرمنشی ملل متحد داده شده است، در حقیقت امر تأثیر واقعی کمتری بر پروسه انسجام ستراتیژیک خواهد داشت. در حقیقت این روش با برانگیختن این شک که یکی از اهداف نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان این است که از موسسات بشری به مقاصد سیاسی استفاده نماید و با برانگیختن این ترس که ملل متحد که استقلال سازمان های غیر حکومتی را از بین ببرد، حتی میتواند وضع را وخیم تر سازد. در واقعیت حیطة صلاحیت قانونی نمایندگی خاص سرمنشی حتی در داخل سیستم ملل متحد نیز زیاد وسیع نیست، فلذا هر کوششی که هدف آن تطبیق انسجام توسط احکام باشد بی نتیجه بوده و توجه را از هدف مهمتر که ایجاد اتحاد ستراتیژیک میان ملت ها و موسسات هم نظر است، دور میسازد.

چنان معلوم میشود که تنظیم انسجام به آنگونه که تا کنون عملی گردیده است، خصوصاً در رابطه به تقارب اهداف بشری و سیاسی در حیطة یک ساختار واحد انسجام کمک ها، مصارفات اضافی ناشی از اجراءات و تعاملات میان موسسات را ببار می آورد. این امر باعث فروپاشی پروسه های انسجام میگردد که زیان آن به تمام جوانب ذیدخل و قسماً به رفاه عامه در افغانستان متوجه است. از همین سبب بعوض انسجام بیشتر بر انسجام کمتر تأکید صورت گرفته است و رفع تعاملات اداری انسجام اقل در عناصر بشری و سیاسی به کاهش مصارفات ناشی از اجراءات و تعاملات کمک خواهد کرد.

الف: نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و همچنان اداره انتقالی باید بر مبنای دلایل غیر قابل تردید ستراتیژیک با تشخیص آنده ادارات ملل متحد و سازمان های غیر حکومتی که از لحاظ ستراتیژیک با هم توافق داشته و بعوض همگرایی ساختاری از طریق اصل توأمیت داوطلبانه تنظیم شده باشند، یک برخورد جدید ستراتیژیک را اتخاذ نماید. برای آغاز کار نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و اداره انتقالی باید میان موسسات بشری که میخواهند از لحاظ سیاسی به هیچ جانی نپیوندند و یا اینکه نظر به اصول خویش مکلف اند که بیطرف باشند و آنانی که میخواهند و قادر اند تا از ستراتیژی سیاسی اعمار صلح حمایت نمایند، فرق قایل گردیده و بعداً انسجام ستراتیژیک را با این دو گروه از طریق پروسه های جداگانه دنبال نمایند.

ب: موضع مبهم بانک جهانی باید روشن گردد. نظر به اساسنامه خویش بانک جهانی مکلف است تا غیر سیاسی باشد، ولی در افغانستان شاید سیاسی ترین پروگرام کمک های بین المللی را به منتصه اجرا در آورد. بانک جهانی با وجود اینکه از داشتن اهداف سیاسی انکار مینماید با آنهم منحیت یک عامل در هر پروسه انسجام ستراتیژیک تحت فشار واقع میگردد که این امر موجب بهت و حیرت دیگران میگردد. این امر به درجه کمتری شامل حال کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین و پروگرام جهانی خوراکی نیز میگردد. هرگاه این نهاد ها در آینده نیز از انجام وظایف سیاسی محروم باشند، پس باید آنها برای چنین اهداف تمویل نگردند.

ج: مساعی انسجام ستراتیژیک بعوض دنبال کوشش های بیهوده جلب تمام سازمان های کمک رسانی به حمایت از مشی سیاسی اعمار صلح باید صرف به ده الی بیست فیصد امورات سیاسی ضمیمه متمرکز باشد که



توسط خود ادارات ، سازمان های غیر حکومتی و کمک دهندگان طرح شده باشند .

د : عنوان سازمان های غیر حکومتی تنوع عظیم تشکیلاتی را از لحاظ مقیاس ، اهداف و طرز اداره در بر میگیرد . اداره انتقالی ، اداره هماهنگی کمک ها و ملل متحد باید آن امکانات اداری را که در حال حاضر صرف مباحثات خسته کن در مورد کنترل سازمان های غیر حکومتی میگردند ، در جهت پروسه موثر تر همکاری میان موسسات معطوف سازند . البته بر مبنای مشخصات مهم ستراتیژیکی این موسسات مانند تشکیلات ، ساحت کار و نوعیت وظایف و غیره .

۲- ارتباطات - يك خلی ستراتیژیک

عدم طرح يك ستراتیژی واقعی تماس و مرادده توسط نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان يك خلی جدی را در تمام ابعاد این پالیسی که عنصر مهم ماموریت ملل متحد است ، بمیان آورده است . درین خلی کمک دهندگان و موسسات در پی شهرت بخشیدن به نام و نشان خود در کشور هایشان بوده و دور از مصلحت توقعات غیر واقعی را در مورد پیامد های صلح در افغانستان بوجود می آورند . این امر به ستراتیژی سیاسی نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان لطمه میزند . چون توقع ازین نمایندگی این است که قسماً از طریق اعطای کمک های بین المللی شامل تهیه اقلام و خدمات عامه ، اعتماد و حمایت مردم را در جهت پروسه صلح جلب نماید . علاوه بر آن از آنجاییکه نظریات یا آرای عامه بصورت سیستماتیک پرسیده نشده است ، پروگرام های مربوط به کمک های بین المللی اکثراً بر مبنای تصورات ضعیف در رابطه با سودمندی های سیاسی اولویت های خاص و یا بر مبنای روند معمول عملکرد موسسات منحیت منبع اکمالات استوار است .

الف : نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان باید با استفاده از تمام وسایل دست داشته سیاسی از ستراتیژی خویش حمایت نماید . واضح است که کمک های بین المللی صرفاً پالیسی روابط عامه نبوده بلکه مستلزم يك ستراتیژی واقعی چنان ارتباطاتی است که قابلیت تحلیل و تجزیه نظرات عامه را داشته ، گرایشات را محاسبه و اولویت های مورد علاقه مردم را که لازمه پالیسی واقعینانه است ، درک و تشخیص نمایند . ب : حکومت کمک دهنده باید از تجارب داخلی خویش (بطور مثال در قسمت تکنیک های میتود مطالعه و ارزیابی توسط گروه های مشخص) استفاده نمایند تا ظرفیت های نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان و اداره انتقالی افغانستان را در جهت درک نظرات عامه در شکل کمک های بین المللی و ستراتیژی های انکشاف ملی توسعه بخشند .

ج : مطالعه سودمندی و عدم سودمندی سیاسی لوحه های موسسات یا کمک دهندگان که با وفرت زیاد بالای هر شی که از آن استنباط کمک شده میتواند نصب گردیده است ، باید بزودی ممکنه انجام داده شود .

۳- عبور از انسجام حکومت قانونی به انسجام حکومت بالفعل

قابل تذکر است که هدف کلیدی و ستراتیژیک واگذاری قدرت به اداره انتقالی افغانستان يك پروسه کاملاً مغلق است . عدم موجودیت يك جدول زمانی برای اداره انتقالی افغانستان که طی آن ظرفیت لازمه را جهت اعمال حاکمیت بالفعل بدست آورد موجب این برداشت نادرست میگردد که حاکمیت موثر صرف با صدور احکام و فرمان های قانونی اعمال شده میتواند . ابهام و سؤنیت در رابطه با این مساله به احتمال زیاد به اثر عدم موجودیت يك پلان انکشافی جهت ایجاد تشکیلات فراگیر و واقعینانه برای پروسه انتقالی میباشد .



نسبت به اینکه حاکی از کدام اختلاف بنیادی با بعضی از موسسات باشد.

الف: باید یک پلان انکشافی جهت ایجاد تشکیلات فراگیر برای پروسه انتقالی که بر مبنای مشخصات وظیفوی و جغرافیایی استوار باشد طرح گردد.

ب: شاخص های ساده که دست آورد های مهم را در رسیدن به اهداف ظرفیت ساز نشان دهند، معیار های مناسب قوای بشری و همچنان تشخیص رویداد هایی که اهمیت حیاتی دارند باید با تمام جوانب ذریعته مورد مذاکره قرار گیرند.

ج: پلان انکشافی تشکیلات، اهداف ظرفیت ساز و معیار های قوای بشری که برای دوره انتقالی پذیرفته شده اند باید کاملاً علنی باشند. این مرام صرف با استفاده از انترنیت حصول شده نمیتواند. ضرور است تا از چینل های مواصلاتی بیشتری استفاده صورت گیرد.

د: زمان پروسه انتقالی باید تا حدی انعطاف پذیر باشد و در ارتباط با برخی فعالیت هایی که از لحاظ ستراتیژیک حیاتی اند، زمان این پروسه باید مشروط به آن ظرفیت هایی باشد که اداره انتقالی افغانستان در مورد کسب آن موافقه نموده است، در صورتیکه بروز حوادث غیر مترقبه موجب گردد که اداره انتقالی در مدت معین ظرفیت های کمتری را نسبت به آنچه که بالای آن موافقه صورت گرفته است حاصل نماید، باید زمان این پروسه قابل تمدید باشد.

۴. حقوق بشر و مشروط بودن کمک ها

ناهنجاری ای که توسط مواضع متضاد شورای امنیت و نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان در رابطه به مشروط بودن کمک ها، تأثیر زیان آوری بر اعتبار هر دو داشته و شاید بر مضمونیت حقوق بشر در افغانستان نیز داشته باشد. ابهام در مورد چگونگی نظارت بر حقوق بشر و عدم پیشرفت در مورد تأسیس یک کمیسیون مستقل حقوق بشر مستلزم توجه فوری است.

الف: شورای امنیت ملل متحد و نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان باید ستراتیژی های شان را در مورد حقوق بشر و مشروط بودن کمک واضح سازند. این امر کاملاً قابل درک است که ممکن است اختلافات آشتی ناپذیر میان شورای امنیت، کمک دهندگان، سازمان های غیر حکومتی و اداره انتقالی وجود داشته باشند. بهتر است که به وجود این اختلافات اعتراف گردد و بعداً بر مبنای توافق و عدم توافق حل و فصل گردند نسبت به اینکه وقت زیاد کارمندان ارشد صرف مباحثات ناشی از ابهام فعلی گردد.

ب: استقلال کمیسیون حقوق بشر باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. اگر قرار باشد که این کمیسیون تحت اداره حکومت باشد، پس مناسب نیست که بنام مستقل یاد گردد و اگر قرار باشد روحیه موافقت نامه بن پابرجا باشد، ترکیب کمیسیون به تجدید نظر ضرورت داشته و باید حمایت مناسب بین المللی درین مورد بزودی فراهم گردد.

ج: مسئله چگونگی نظارت بر حقوق بشر مهیم بوده و رضایت بخش نیست. این تصمیم که وظیفه نظارت بر حقوق بشر در ستون اول قرار داده شود که مطابق به آن گزارش درین مورد به نمایندگی خاص سرمنشی ارایه میگردد، باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. باید امکانات مدغم گردیدن این دو مرجع نظارت تحت یک کمیسیون جدیدی که واقعاً مستقل باشد، مورد غور قرار گیرد.



۵. ابهام در پالیسی مربوط به جنس

میان پالیسی ای که در خصوص مسایل مربوط به جنس در خطوط اساسی انکشاف ملی تصریح شده است و پالیسی ای که در رکن دوم پلان اداری درج است تفاوت قابل ملاحظه وجود دارد. پالیسی هاییکه از تساوی جنس پشتیبانی مینمایند بگمان اغلب نتایج خیلی متفاوتی را نسبت به آن پالیسی هایی ببار خواهد آورد که صرف در پی رعایت حقوق مبتنی بر جنس است. این امر واضح نیست که پالیسی های خطوط اساسی انکشاف ملی و نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان چگونه در عمل پیاده خواهند شد. این امر نیز واضح نیست که تا کدام حد این پالیسی ها قابل مذاکره اند. بنا بر آن ضرورت چنان پروسه احساس میگردد که بتواند این اختلافات را در جاییکه ممکن است حل نماید و در جاییکه حل ناممکن است به آن رسیدگی نماید.

الف: اداره انتقالی، اداره هماهنگی کمک ها برای افغانستان و نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان باید بصورت مشترك با سهم گیری کمک دهندگان، نهاد های مالی بین المللی و سازمان های غیر حکومتی بر پالیسی مربوط به جنس از نگاه ستراتیژیک تجدید نظر نمایند. جهت تدوین پالیسی جدید در رابطه به مسایل جنس باید راه اندازی مباحثات عامه تشویق گردیده و نظریات مردم در مورد حقوق زن و مرد و پالیسی های مربوط به رعایت حقوق مبتنی بر جنس بصورت سیستماتیک نمونه برداری گردد.

ب: در حالیکه ممکن است نظریات در مورد نوعیت پالیسی های ستراتیژیک با هم تفاوت چشمگیر داشته باشند، مکلفیت های اداره انتقالی افغانستان از لحاظ مکلفیت های ناشی از معاهداتی که امضا نموده است، خصوصاً معاهده در رابطه با امحای تمام اشکال تبعیض علیه زنان، باید بمثابة یک محک برای انکشاف پالیسی و انسجام کمک های بین المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۶. مسایل بشری

ابهام پالیسی در رابطه با موقف سیاسی و سودمندی کمک های بشری نیاز به حل دارد. پذیرش این لزوم از جانب شورای امنیت که کمک های بشری بر مبنای ضرورت ارایه گردد در مقایسه با پالیسی خطوط اساسی انکشاف ملی که میگوید کمک بشری باید مشروط به سهم و رول آن در نیل به یک هدف سیاسی باشد، در تفاوت آشکار قرار دارد. کاربرد اصطلاحات بشری و دیگر علایم کمک بشری توسط قوماندانی عملیات ملکی، نظامی ایتلاف نیز ممکن است خطر دیگری برای موسسات بشری ببار آورد.

الف: اداره انتقالی افغانستان و اداره هماهنگی کمک ها برای افغانستان در خطوط اساسی تجدید شده انکشاف ملی باید با این اصل موافقت نماید که کمک های بشری صرف بر مبنای ضرورت و در مطابقت با اصول صلیب سرخ اعطاء میگردد.

ب: نمایندگی ملل متحد برای کمک به افغانستان یا اداره هماهنگی کمک ها به افغانستان باید یک میکانیزم جداگانه انسجام بشری را ایجاد نمایند که یگانه هدف ستراتیژیک آن جلوگیری از افزایش شیوع امراض و وفیات باشد. گرد همایی ها درین رابطه جهت تبادل اطلاعات میان نهاد های بشری و غیر بشری باید ادامه داده شود.

ج: کاربرد اصطلاحات و علایم موسسات عادی کمک رسانی توسط نیروهای اپراتیوی مشترك ملکی، نظامی ایتلاف باید فوراً متوقف گردد. اهدافی که نیروهای اپراتیوی ایتلاف مجدانه در پی آن اند و همچنان



وظیفه تحفظی نیروهای امنیتی بین المللی بدون توسل به استفاده از تریبنات ملکی و بشری باعین موثریت تعقیب شده میتوانند *

۷- (اثرگذاری خفیف)

پالیسی (اثرگذاری خفیف) میان عملیات مجزا و اهداف ستراتیژیک ابهام ایجاد نموده و با وجودیکه هدف آن نیک است به یک عامل زیان آور مبدل گردیده است *

الف: پالیسی (اثرگذاری خفیف) باید از موقف فعلی اش منحصت یک هدف ستراتیژیک ملل متحد به یک مقررۀ عملیاتی تنزیل یابد * علیرغم اینکه این پالیسی یک ابتکار نیک و ضروری در جهت کنترول مصارف اداری موسسات میباشد، با آنهم باید پذیرفت که تاکنون معیارهای عینی جهت ارزیابی وزنة پالیسی های موسسات وجود ندارد *

ب: علنیت در رابطه به مصارف اداری و انسجام باید توسط تمام سازمان های کمک رسانی منحصت یک اصل گذارندهی بکار برده شود *

ج: یک سیستم اداری و فرهنگی که هدف آن پاداش دادن به چنان پالیسی های انکشافی آن موسساتی باشد که دست آورد را نسبت به مساعی و اطلاعات اداری را نسبت به ارقام ارزش بیشتری میدهند * چنین سیستم باید منحصت الترناتیف یا بدیل پالیسی (اثرگذاری خفیف) تشویق و ترغیب گردد *

بالاخره چنین استدلال میگردد که بخش اعظم مطالعات انسجام ستراتیژیک بعلت استفاده از تعریف ستاندارد انسجام لطمه دیده است * زیرا این تعریف انسجام را اشتهاً اهداف مشترک ستراتیژیک تمام سازمان های کمک رسانی پنداشته و این امر را نمی پذیرد که انسجام مستلزم مصرف است و این مصرف در حقیقت یک باجگیری بر منابع اندکی است که برای فقیرترین و ناچارترین مردم در جهان تخصیص یافته است * بهتر خواهد بود که ارزیابی مستقیم ستراتیژی ترغیب صلح از طریق بذل کمک ها و مطالعه مصارف و سودمندی انسجام کمک ها در افغانستان صورت گیرد *



نشریات اخیر توسط اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان

- راجع به معیشت در افغانستان، توسط ادم پین و سو لاور
- انسجام ستراتژیک در افغانستان، توسط نیکولاس ستاکتون
- رهنمای جامع کمک به افغانستان
- سیستم صحت عامه در افغانستان: نشریه جاری، توسط رونالد والدمن و حمیرا حنیف
- نظری بر اساسات ستراتژیک برای افغانستان، توسط مارک دافیلد، پاتریشیا گوسمن و نیکولاس لیدر*

متن کامل تمام نشریات اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان بزبان انگلیسی در کابل در دفاتر این اداره در مقر صدارت عظمی در جوار اداره هماهنگی کمک ها برای افغانستان و همچنان با فرستادن ای-میل به آدرس areu@areu.org.pk و یا تماس با دفتر اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان در اسلام آباد قابل دریافت است*

تلفون در اسلام آباد: 92 (0) 51 227- 7260

فاکس: 92(0) 51 282- 5099

این نشریات از صفحه انترنیت این اداره به آدرس www.areu.org.pk نیز گرفته شده میتوانند *